



قرارمان شد دو ساعت قبل از شروع مراسم در ورودی تونل توحید (بزرگراه چمران شمال به جنوب). از آنجا که می‌دانستم همیشه چند ۱۰ دقیقه‌ای زودتر از تمام قرارهایش در محل حاضر می‌شود با پیک موتوری خودم را رساندم و همان‌طور که پیش‌بینی می‌کردم زودتر از من آنجا بود و فلاشرهای ماشینش هم روشن. عکس‌ها و مصاحبه‌های او و سایر ورزشکاران حاضر در مراسم خیلی زود روی خروجی تمام خبرگزاری‌ها قرار گرفت. اما در مسیر برگشت وقتی از کنار یک زمین فوتبال رد می‌شدیم که اگر اشتباه نکنم مربوط به وزارت نفت یا پتروشیمی بود خاطره‌ای را تعریف کرد که بازگو کردنش برای نوجوانان امروزی می‌تواند بسیار مفید و تأثیرگذار باشد: «ما هر روز از کرج می‌آمدیم میدان آزادی و از آنجا با مینی‌بوس ما را می‌آوردند همین زمین برای تمرین، دوباره با همان مینی‌بوس برمی‌گشتیم آزادی و از آنجا می‌رفتیم کرج. در مسیر هم برای اینکه گرسنگی اذیت‌مان نکند نان بربری می‌گرفتیم و با نوشابه می‌خوردیم. (یادم هست نگاه عمیقی به زمین انداخت، انگار تمام آن خاطرات برایش زنده شده بود، وقتی متوجه تعجبم شد ادامه داد) اما الان خیلی راحت شده و در خیلی از محله‌ها زمین چمن طبیعی یا مصنوعی هست و خانواده‌ها بچه‌هایشان را با ماشین می‌برند و می‌آورند. برای رسیدن به هر هدفی باید زحمت کشید و تلاش کرد. شما ببینید اکثر ورزشکاران موفق و قهرمانان جهان و المپیک از قشر پایین جامعه هستند، پس اگر قرار بود به واسطه بابای پولدار داشتن موفقیتی حاصل می‌شد این همه قهرمان از مناطق پایین شهر نداشتیم.»



### ۳ چه املتی شد

بعد از یکی از جلسات تمرینی به اتفاق برای شرکت در مراسم ختم یکی از هواداران قدیمی تیم سپیدرود به مسجد رفتیم و تا به خانه برسیم ساعت ۴ می‌شد. در مسیر پیشنهاد داد که به یکی از رستوران‌ها برویم اما من که به شدت هوس املت کرده بودم از او خواستم به خانه برویم و املت بزنیم. اصرار زیاد مرا که دید مسیرو را به سمت خانه تغییر داد. قبل از اینکه برسیم نزدیکی‌های خانه نان بربری هم خریدم و دقایقی بعد هم رسیدیم. پیش خودم می‌گفتم تا دوشی بگیرم من غذا را درست کرده‌ام. همان موقع تلفنم زنگ زد و حدود ۱۰ دقیقه‌ای مشغول صحبت بودم که صدایم کرد و گفت: «سرد بشه مزه‌اش از دهان می‌افته» باورم نمی‌شد که تو این فاصله املتی که قرار بود من آماده کنم را آماده کرده باشد. از حق هم نگذردیم چه املتی شده بود.

### ۵ نیامدیم شو اجرا کنیم

با اینکه تا آخرین روز به تمام تعهدات مالی‌اش عمل کرده بود و حتی بعد از آن هم کمک‌هایش را دریغ نمی‌کرد و در کنار اینها به فکر ساختارسازی هم بود اما همیشه عده‌ای که با حضور علی کریمی چندین ساله‌شان به خطر افتاده بود سعی در کمزنگ کردن این کارها داشتند. یکی از مواردی که به خواست او تا امروز در هیچ نشریه و سایتی آن را مکتوب نکردم و اینجا می‌خواهم به آن اشاره کنم موضوع ساخت و راه‌اندازی سالن بدنسازی در ورزشگاه سردار جنگل بود. در زیر سکوها این ورزشگاه سالن‌های بزرگی بدون کارایی و استفاده قرار دارد که اگر برنامه‌ریزی‌های اصولی انجام شود کارهای بزرگ و ماندگاری می‌تواند در آنجا انجام داد. یکی از مشکلات تیم سپیدرود برای برگزاری تمرینات بدنسازی نداشتن سالن ثابت و مشخص بود. اگر تیم قصد تمرین در سالن ورزشگاه عضدی را داشت باید زمانش را با تمرینات افراد یا تیم‌های دیگر تنظیم می‌کرد. در غیر این صورت باید به دانشگاه می‌رفت یا اینکه یکی از سالن‌های داخل شهر را اجاره می‌کرد. این مشکل حتی برای تمرین در زمین چمن مصنوعی سردار جنگل هم گهگاهی به دلیل برگزاری لیگ استانی یا تمرین تیم‌های دیگر وجود داشت. همین باعث شد تا علی کریمی به فکر آماده‌سازی یکی از سالن‌ها زیر سکوها سردار جنگل بیفتد. تصمیمی که برای عملی شدن آن مدت‌ها منتظر اجازه اداره کل بود. این سالن که کنار رختکن تیم حریف قرار داشت پر بود از آهن‌آلات و وسایل از کار افتاده‌ای که هیچ کارایی نداشت. چند روز طول کشید تا آنجا تخلیه و در و دیوار و کف آن تا حدودی تمیز شود. خیلی زود آیینه‌کاری دیوارها، تهیه کفپوش، رنگ‌آمیزی و خرید وسایل انجام شد و بازیکنان دیگر برای تمرینات بدنسازی مجبور نبودند به جای دیگری بروند. یادم هست وقتی خواستم این موضوع را رسانه‌ای کنم اجازه نداد و گفت: «ما نیامدیم اینجا که شو اجرا کنیم.» او حتی اجازه نداد ماشین‌های لباسشویی و همین‌طور یخ‌سازی که برای تیم خریده بود را رسانه‌ای کنیم.



### ۶ میهمان‌نواز به معنای واقعی

اگر به وقت‌شناسی‌اش عادت نداشته باشید اذیت می‌شوید. به شدت روی قول و قرارهایش حساس است و امکان ندارد یکبار دیرتر از شما به محل قرار بیاید. طی چند سال اخیر به حدی عادت به تمرینات روزانه دارد که اگر یک روز او را دیدید که سرحال نیست شک نکنید که آن روز ورزش نکرده است. با این حال و تحت هر شرایطی پاسخ‌بخش به هواداران برای عکس‌انداختن مثبت است به حدی که اطرافیانش هم می‌دانند که نباید دخالت کنند. یادم هست حتی بعد از شکست تیمش هم داخل زمین می‌ایستاد و با توپ جمع‌کن‌ها عکس می‌گرفت. باز هم حرف قدیم‌ها را تکرار می‌کنم که برای شناخت بهتر افراد باید با آنها همسفر، هم‌سفره یا شریک شد. یک ویژگی‌اش می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای خیلی از فوتبالیست‌های امروزی باشد: بازیکنی در سطح علی کریمی که بالاترین افتخارات فوتبالی را کسب کرده و خیلی‌ها چهره‌های بسیار جدی را از او در زمین بازی و تمرین دیده‌اند اما در خانه و زمانی که میزبان شما باشد چهره‌ای کاملاً متفاوت را از او می‌بینیم. معمولاً قبل از شروع تمرین تیم، خودش به طور جداگانه تمرین می‌کرد تا کالری‌های لازم را بسوزاند. اگر هم فرصت نداشت بعد از تمرین این کار را انجام می‌داد. اما یک موضوع را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کرد و آن تهیه و آماده کردن صبحانه آن هم مرتب و به‌طور روزانه بود. یعنی دقیقاً ساعاتی که ما خواب بودیم او تمرینش را کرده و میز صبحانه را هم چیده بود. آنقدر حرمت میهمان‌راند داشت و دارد که حواسش بود هر کدام از میهمانانش چه چیزی را سر سفره سرو می‌کنند و همان را آماده می‌کرد. شاید باور این مسائل برای برخی‌ها سخت باشد که بازیکنی در این سطح تا این اندازه احترام میهمانش را دارد.



### ۷ نه انصراف می‌دهم نه لابی می‌کنم

در بحبوحه انتخابات فدراسیون فوتبال خیلی‌ها منتظر بودند تا ببینند علی کریم به عنوان یکی از کاندیداهای پست ریاست با چه کسانی برای کسب رای بیشتر لابی می‌کند. این عده بر این باور بودند که فلسفه انتخابات و دارا بودن شانس موفقیت انجام لابی‌های قوی است. اما وقتی یکی از رؤسای هیأت فوتبال صراحتاً می‌گوید که قرار نیست به کریمی رأی بدهیم یا اینکه فلان استان با داشتن چندین نماینده و فقط به دلیل اختلافاتی که در آخرین ساعات مانده به رأی‌گیری با هم داشتند هیچ‌کدام‌شان به عضویت هیأت رئیسه در نیامدند نشان می‌داد که خیلی هم نمی‌توان به لابی‌ها امیدوار بود. به هر حال تیم کریمی و مهدوی‌کیا نسبت به سایر رقبای‌شان کاملاً فوتبالی بود و همین به نظر کافی می‌رسید. اما آنها که طور دیگری فکر می‌کردند با آرای‌شان سرنوشتی را برای فدراسیون رقم زدند که امروز شاهد آن هستیم. همان موقع کریمی مدعی شد که با هیچ‌کس لابی نخواهد کرد: «از معادلات پشت پرده کاملاً آگاهیم اما داوطلب شدیم تا ثابت کنیم، انتقادهای چند سال گذشته فقط شعار نبوده و با کسی هم حب و بغض شخصی نداریم بلکه معتقدیم این فوتبال باید عاری از فساد و کاملاً پاک و شفاف باشد. تصمیمم بر این بود که کار مدیریت در فوتبال را پیش بگیرم تا شعار فوتبال پاک و شیشه‌ای را اجرایی کنم اما انتخابات فدراسیون نشان داد که تصمیم‌گیرندگان فوتبال دنبال چه مسائلی هستند. هم به این نتیجه رسیدم که برای دریافت پست مدیریت در فوتبال باید لابی‌های خیلی، خیلی زیادی انجام داد که نه در ذات من است و نه اینکه راهش را بلدم.» حتی بعد از فوت مهرداد میناوند و علی انصاریان این شایعه مطرح شد که او قصد کناره‌گیری دارد. اما این‌طور نبود: «از روز اول که من تصمیم به حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال گرفتم، مهرداد در جریان تصمیم من بود و دوست داشت که این اتفاق بیفتد. از حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال انصراف نمی‌دهم و تصمیمی برای این موضوع ندارم.»



### ۸ غذاهایی که اسراف نمی‌شد

اینکه علی کریمی چه امکاناتی را برای بازیکنان، تدارکات، تیم پزشکی و سایر نفرات تیم فراهم می‌کرد و آنها می‌توانند شهادت دهند. اما یک موضوع جزو برنامه‌های همیشه تیم حتی در بازی‌ها و اردوهای داخل و خارج از خانه بود. از آنجا که همیشه غذا به‌صورت سلف سرویس بود و به اندازه چندین نفر هم اضافه می‌آمد، کریمی از تدارکات می‌خواست با تهیه ظروف یکبار مصرف و خیلی شکیل و مرتب غذاهایی که استفاده نشده و دست نخورده بود را داخل ظروف می‌گذاشتند و برای افراد مستمند می‌بردند. این کار همیشگی و روتین آنها شده بود که خودشان هم لذت می‌بردند. اما کریمی خودش می‌گفت: «اگر این کار را نکنیم غذاها استفاده نشده می‌ماند پس چه بهتر به دست نیازمندان برسد.»

